

زمینه های پیدایش ترجمه آثار نمایشی غرب در ایران

قسمت اول

شیرین بزرگمهر
عضو هیات علمی و استادیار دانشکاه هنر

ایران در زمان حکومت قاجاریه ۱۹۲۵ - ۱۷۹۶ میلادی) مطابق ۱۲۰۲ - ۱۱۷۵ هجری شمسی) دوباره یکبارچه شد. حکومت قاجار عمر طولانی خود را به طوع و ندم مدیون حمایت دو قدرت بزرگ اروپایی - انگلستان و روسیه - بود. میرزا تقی خان امیرکبیر که ناصرالدین شاه او را از تبریز به عنوان صدراعظم خود به تهران آورده بود، اولین دبیرستان را در تهران به نام دارالفنون تأسیس کرد. معلمین این مدرسه را بیشتر اروپاییان تشکیل می دادند و به کمک چند نفر مترجم تدریس می کردند. زیر سایه دارالفنون کتاب های متعدد غربی برای نخستین بار به زبان فارسی ترجمه شد.

در ایران، مثل خیلی از جاهای دیگر آسیا، اولین افراد اصلاح طلب، متمایل به طرفداری از غرب بودند و میرزا حسین خان (مشیرالدوله صدر اعظم ناصرالدین شاه) از آن نمونه افراد بود هم او ناصرالدین شاه را متقاعد کرد به عنوان نخستین فرد از سلاطین قاجار سفری به خارج کند که این سفر به ترکیه عثمانی و عراق انجام شد.

افکار اصلاح طلبانه در ایران، پس از تماس این کشور با غرب شروع نشد، بلکه ایران اسلامی در طول تاریخ همواره در زمینه فلسفه، شعر، مذهب و سیاست، افراد اصلاح طلب و ناراضیان مهمی داشته است. آنچه در مورد ایران قرن نوزدهم تازه گی دارد این است که نقاط ضعف این کشور در مقایسه با کشورهای پیشرفته غربی، برای خیلی از ایرانی ها آشکار شده و تماس و مراوده با غرب تحولات اجتماعی - اقتصادی جامعه را جلو انداخت و ماهیت آن را تغییر داد. طبیعی است که با توجه به فقر، فساد، سوء مدیریت و خواب سنگین که در بسیاری از جنبه های زندگی ایرانی دیده می شد، بسیاری از این افراد (اصلاح یا تجدید طلب) برای مسایل ایران راه حل های غربی را جستجو می کردند. مشغولیت ذهنی بسیاری از متفکران و رهبران ایران این بود که به نحوی خود را به سطح پیشرفت غرب برسانند. با اینکه آنها تا حدودی در این مسأله اختلاف داشتند که برای نیل به این منظور کدام یک از عناصر تمدن غربی باید اخذ شود، اما تقریباً همگی بر این اعتقاد بودند که

تماشاخانه، مقدار صندلی ها و همچنین چگونگی بازو بسته شدن پرده ی جلوی صحنه، محل استقرار نوازندگان، غرفه ها و جایگاه های مخصوص افراد برجسته، محل رختکن تماشاگران و نیز قسمت بلیط، دستمزد افراد، برکه برنامه نمایش و همچنین برخورداری تماشاخانه از حمایت مادی و معنوی دولت - مورد بررسی قرار گرفته است. در این میان یادداشت هایی دیده می شود که در آن رجال و درباریان به احداث تماشاخانه هایی به شیوه اروپا ترغیب شده اند. ۵ در سفرخانه های ناصرالدین شاه است که برای نخستین بار به واژگانی مثل «اکت»، «Aet»، «سن»، «Seene»، «کومدی»، «Comedy» و «لوژ» (جایگاه تماشاگران) و «دیراکتوار» Directoir برمی خوریم، واژگانی که بعدها در فرهنگ نمایشی ما جا افتاد.

شاه قاجار بدون درک پس زمینه و زیربنای انقلاب صنعتی و پیامدهای فرهنگی و اجتماعی آن، تنها به واگذاری امتیاز منابع کشور و تقلید و بنایی از ساختارهای دولتی اروپا اکتفا کرد که یک نتیجه آن ایجاد وزارت خانه هایی به سبک اروپا شد. در راستای این حرکت بود که تالاری در جنب دارالفنون برای اجرای نمایش دایر شد. معماری این تالار تقلیدی از تماشاخانه های غربی بود و زیر نظر علی اکبر خان مؤین الدوله (نقاش پاشی) ساخته شد. اما نمایش هایی به زبان فارسی وجود نداشت که با شیوه تئاترهای فرنگی مطابقت کند و شاه و ملتزمین رکاب که دیگر با تئاتر فرنگی، پاله و اپرا آشنا شده بودند، به نمایش و آیین های نمایشی سنتی ایرانی رغبتی نشان نمی دادند و همین انگیزه یی شد که شاه دستور ترجمه آثار نمایشی فرنگی را صادر کند. اما در گذر زمان، ترجمه آثار نمایشی غربی انگیزه های دیگری نیز پیدا کرد.

انگیزه های ترجمه متون نمایشی در ایران شاید بتوان انگیزه های ترجمه متون نمایشی غربی در ایران دوره قاجار را بر یک پیوستار قرار داد؛ در این پیوستار چهار نقطه مشخص - و در مواردی نزدیک به هم - را می توان سراغ کرد: الف: برای اجرا و داشتن قابلیت اجرا اجرای آثار نمایشی در ابتدا کاملاً خصوصی و ویژه شاه و درباریان بود. علاوه بر این، قابلیت ساده شدن و تبدیل آدم های بازی به کسانی بانام و هویت ایرانی نیز از ملاک های انتخاب و اجرای آثار نمایشی بود.

ب: طبع آزمایی برای بسیاری از مترجمان با پس زمینه ادبی، برگردان آثار نمایشی فرصتی بود که با افق های جدیدی آشنا شوند و دانش خود را در این عرصه ی جدید بیازمایند. جدا از ارزشیابی محتوایی و کیفیت ترجمه ها، باید گفت که این رویکرد و انگیزه به سود کسانی شد که تشنه و جویای یادگیری بودند و به هر طریق می خواستند

خیلی چیزها را باید قرض کرد. مسافرت و تجربه خارج از کشور بسیاری از افراد را تغییر داد (۴) و به سود فرهنگ غربی متحول کرد. شاید باکندوکاوی در سفرهای ناصرالدین شاه و همراهان وی به اروپا بتوان زمینه و رد پای نخستین آثار ترجمه شده نمایشی غربی به زبان فارسی را پیدا کرد. در این سفرها جدا از ملاقات های تشریفاتی، سیاسی و واگذاری امتیازها (نظیر تنباکو، راه آهن، نفت و لاری)، شاه و همراهان مجالی پیدا می کردند که به تماشای تئاتر، اپرا و رقص بروند. در میان ملتزمین رکاب، کسانی بودند که خاطره ها و مشاهده خود را با جزئیات ثبت می کردند و آنها را به شکل سیاحت نامه، سفرنامه و گزارش در می آوردند. شخص ناصرالدین شاه، میزبان ابوطالب خان (معروف به ابوطالب لندنی)، میرزا صالح شیرازی، میرزا مسعود، میرزا مصطفی افشار، حسین خان آجودان پاشی و ابراهیم صحافی از نخستین کسانی بودند که از طریق نوشته های یا د شده، ایرانیان را با هنر و فنون نمایش غربی آشنا کردند. علاوه بر آن شماری روزنامه ها نیز تلاش می کردند تا مردم ایران را با فرهنگ نمایشی اروپا آشنا کنند. «روزنامه اختر» (چاپ استانبول) در سلسله مقالات «غرابت عواید ملل» مطلبی با عنوان «هنر تماشا و تماشاخانه» درج کرد. این مطلب را میرزا حبیب خان اصفهانی نوشته بود. همچنین میرزا ملک خان ناظم الدوله (رفرمیست غرب گراو پایه گذار فراموشخانه در ایران) در روزنامه «قانون» (چاپ لندن) بسیاری از مطالب خود را به «شیوه تیاتر تویسی» می نگاهت که این رویکردها می توانست تلاشی در سمت و سوی شناساندن و ترویج هنر نمایش، محسوب شود.

اگر تمامی این نوشته ها را کنار هم بگذاریم، خواهیم دید چگونه همه عناصر نمایشی - مثل بازیگری و بازیگران، کارگردانی، شیوه های اجرا، مضمون های نمایشی، انواع نمایش و بازی های نمایشی، معماری تماشاخانه، صحنه و صحنه پردازی، قرار گرفتن موقعیت تماشاگران نسبت به صحنه، نورپردازی و جلوه های ویژه یی نظیر دود و مه و پرواز، لباس و چهره پردازی، گنجهایش

با فرهنگ های دیگر آشنا شوند و به این شکل پا از دایره بسته ذهنیات محدود خویش بیرون گذارند.

ج: تجدد طلبی

مرتحول و دگرگونی اکرپازمینة قبلی همراه نباشد، به چیزی بی مایه و بی ریشه بدل خواهد شد. از آن جمله است تب تجدد طلبی که به شیوه های گوناگون از تماس با فرهنگ غربی عاید گروهی از روشنفکران آن دوران و دوران بعدی شد. این رویکرد از احساس حقارت به دلیل واپس ماندگی یابه دلیل فخر فروشی به همگنانی که در یک طبقه اجتماعی قرار داشتند، ناشی می شد، بدون آنکه تجدد طلبان به چند و چون و تحلیل علت دگرگونی های فرهنگ غرب بپردازند یا اصولاً به این شیوه تحلیل آگاه باشند. این تب نه تنها فروکش نکرد، بلکه تا زمان هایی دورتر در جان و کالبد فرهنگ ماخانه کرد.

د: رشد آگاهی های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی

شماری از روشنفکران و هوشمندان که از استبداد حاکم بر مردم و روزگار تیره آنان کم و بیش آگاهی داشته و از سوی دیگر با اندیشه های مترقی آزادیخواهانه آشنا شده بودند، تئاتر را وسیله بی مناسب برای «تهذیب اخلاق» و «تنویر افکار» تشخیص دادند زیرا این هنر یکی از عملی ترین شیوه ها برای نشر افکار نو به ویژه در جامعه بی کم سواد بود. این گروه نمایش هایی را بر می گزیدند که با شرایط زیستی، اجتماعی و فرهنگی مردم ایران سازگاری داشت و حرکت سنجیده برای مردمی کردن تئاتر محسوب می شد و باعث شد که در مدت زمانی کوتاه کار ترجمه آثار نمایشی خارجی بسیار رونق گیرد.

آثار نمایشی ترجمه شده در دوران قاجاریه

فرانسه: زبان برگزیده روشنفکران ایران

در دوران ولایتعهدی عباس میرزا برای نخستین بار روابط جدی و مستمر فرهنگی ایران و اروپا از طریق انگلستان برقرار شد. در این زمان نخستین گروه محصلان ایرانی به انگلستان اعزام شدند و شماری از درباریان و دولتمردان ایران، سفارت انگلیس را به مرجعی برای رایزنی و کسب حمایت معنوی و سیاسی بدل کردند. انگلیسی ها در آذربایجان مدرسه ساختند و نخستین کتاب انگلیسی در این زمان به فارس برگردانده شد. با تمام این تلاش ها، زبان انگلیسی نتوانست به عنوان زبان رسمی مراودات ایران و اروپا پذیرفته شود و جای زبان فرانسه یعنی زبان مورد علاقه

در دوران مشروطیت، تئاتر

وسيله ايبی برای تنویر افکار

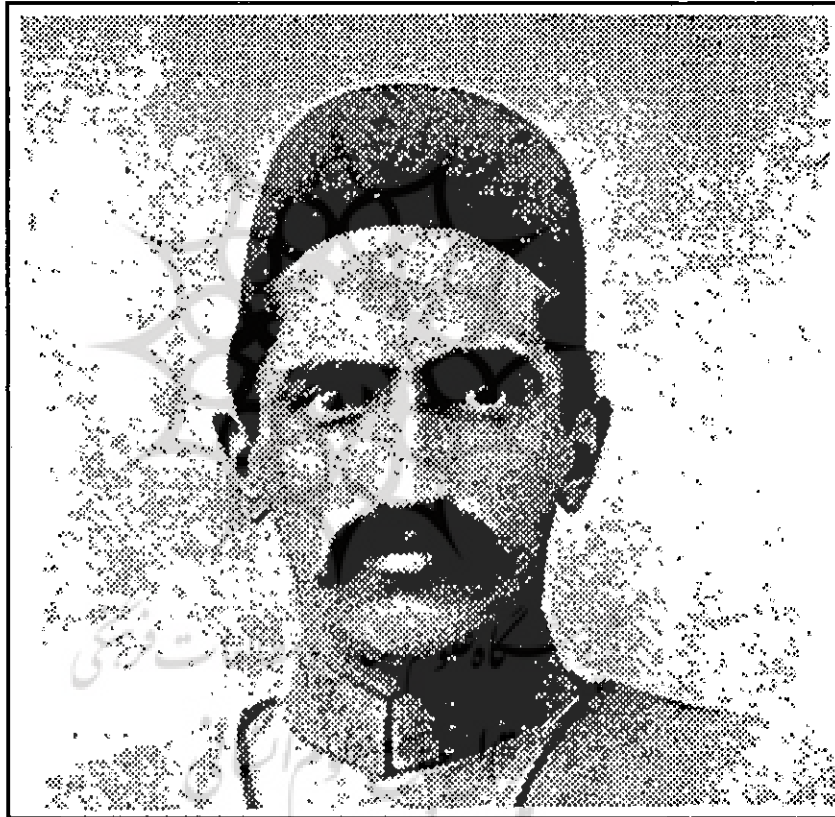
محسوب می شد و در این زمان

بود که کار مترجمی به صورت

یک حرفه درآمد.

شاه، درباریان، سیاست پیشکان و روشنفکران را بگیرد؛ استقبال از زبان فرانسه نزد آنان دلایل متعددی داشت، از جمله:

- وجود مراودات و مکاتبات فرهنگی، سیاسی و عهدنامه های نظامی که از عهد ایلخانان بین ایران



سلطنتی که منابع خبری اصلی آن روزنامه های فرانسوی بود.

- رفتن محصلان ایرانی برای ادامه تحصیل به فرانسه و ترویج فرهنگ، ادب و اندیشه های سیاسی رایج در آنجا پس از بازگشت به ایران.

چنین گرایشی به زبان و فرهنگ فرانسه باعث شد که اکثر مترجمان به ترجمه آثار از بعضی نویسندگان فرانسوی روی آورند. در میان آنان کسانی که با تئاتر و کارکردهای اجتماعی آن آشنا بودند، به رغم آشنایی با نمایشنامه نویسانی چون شکسپیر، بوالی، راسین و الکساندر دوما، به مولیر روی آوردند.

مولیر: نخستین نمایشنامه نویس غربی که آثارش به فارسی برگردانده شد.

«مولیر» (۱۶۷۲ - ۱۶۹۲) از نامداران برجسته ادب و هنر فرانسه در عصری از تحولات اجتماعی می زیست که قدرت سیاسی و اقتصادی طبقات

حاکم بر جامعه در حال جابجایی بود. اشراف و نجیب زادگان زمین دار با آنکه در سرایش سقوط مالی و سیاسی بودند، همچنان جایگاه ممتاز اجتماعی خود را حفظ کرده بودند. پوزوای نوکیسه صاحب صنعت، که توان بالقوه و بالفعل کسب قدرت اقتصادی و سیاسی را داشت، همچنان در مقابل جایگاه اجتماعی اشراف، خود باخته می نمود و برای کسب نرهای شان و منزلت به هرختی تن می داد، به اشرافیت پناح می داد تا لقب دریافت کند یا با پیوند زناشویی با این طبقه اسم و رسمی بیابد یا بدهی های آنها را می پرداخت که به این وسیله نزد آنها مهم جلوه کند. اشراف و نجیب زادگان با کرامت و تفرعن به این بده بستان ها تن می دادند که خود را از ورطه

سقوط مالی نجات دهند. در این آمیختگی و مراودات ناگزیر، چه بسا دخترانی که به دلیل ازدواج های ناخواسته، دچار رنج و حرمان می شدند و یا به زوال اخلاقی تن می دادند یا شوهرانی که تنها به دلیل کسب امتیاز اشرافی تن به ازدواج های مصلحتی می دادند و نهایتاً خود به ورطه سقوط و چون می افتادند و اشرافیت خودستا و ورشکسته رابا خود می کشیدند.

مولیر با قلمی شیوا، جسارتی بی همتا و طنزی تلخ و گزنده، اما در قالب کمدی های شادی که آمیخته زندگی آن دوران بودند، تحولات و کاستی های جامعه و عصر خود را ترسیم می کرد و به سنت های پوسیده آن می تاخت و او قادر به تاختن به سازمان های سیاسی و خرده

و فرانسه برقرار شده بود.

- آشنایی دوامپراتوری روسیه و عثمانی همسایگان ایران یا نظام و تشریفات سلطنت در فرانسه و همچنین با افکار مترقی این کشور و انتقال این فرهنگ به دولتمردان و بازرگانان ایرانی طرف مراد.

- بدل گشتن فرانسه به عنوان نماد و مهد آزادی پس از انقلاب کبیر سیال ۱۷۸۹ و ایجاد انگیزه بیشتر برای مطالعه آثار نویسندگان و متفکران فرانسه در نزد اهل اندیشه و سیاست ایران.

- تلقی شاه و دربار از زبان فرانسه به عنوان مظهری از اشرافیت.

- وجود اکثریت فرانسه زبانان در دارالترجمه

گیری از آنها نبود. به همین لحاظ به مسایل خانوادگی و اخلاقی رو آورد. اما در همان محدوده به طرح تنش‌ها و معضلات اجتماعی پرداخت. در ایران، روشنفکرانی که واپس ماندگی و شوربختی جامعه آزارشان می‌داد و در اندیشه نشر و گسترش اندیشه‌های نوین سیاسی و اجتماعی بودند به آثار مولیر و برگردان آن روی آوردند، زیرا آنها شکل‌هایی از جامعه خویش و روحیات آن و همچنین دیدگاه‌های خود را یافته بودند. آنها کوشیدند به این طریق مردم را نسبت به بازنگری زندگی و محیط خویش وادارند. بسیاری از شخصیت‌های آثار مولیر با اندکی دست کاری، رنگ ایرانی پیدا می‌کردند و به این طریق نیز می‌شد آینه تمام نمای برابر زندگی مردم ایران گرفت.

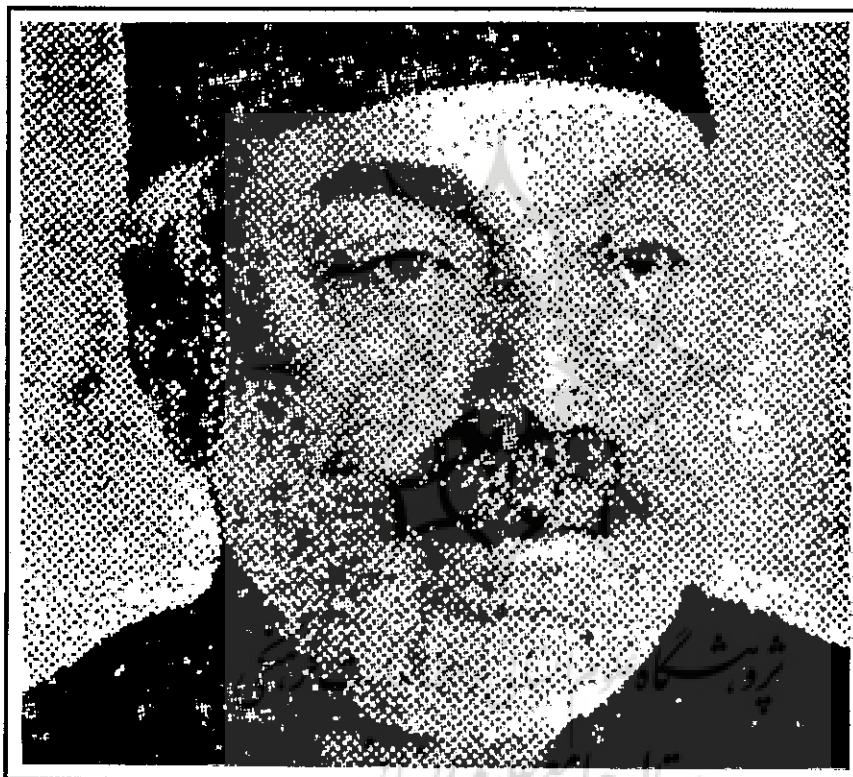
«میزان تروپ» (گزارش مردم گریز) که توسط میرزا حبیب اصفهانی (پدستان)، در سال ۱۲۸۶ هـ. ق. به فارسی ترجمه شد و در روزنامه «اختر» (چاپ استانبول) و سپس به شکل مستقل در مطبع «تصویر الافکار» به چاپ رسید، به عنوان نخستین ترجمه آثار نمایشی، باب ترجمه این نوع آثار را در ایران گشود.

میرزا حبیب اصفهانی در سال ۱۲۵۲ هـ. ق. در ناحیه بی‌از چهارمحال بختیاری به دنیا آمد. مطالعات خویش را در زمینه‌های ادب فارسی، فقه و اصول دینی در بغداد و اصفهان آغاز کرد و ادامه داد و سپس برای اتمام تحصیلات به تهران بازگشت. او به دلیل فعالیت‌های سیاسی ضد استبدادی و بدگویی از صدر اعظم وقت در سال ۱۲۸۲ هـ. ق. به عثمانی تبعید شد. در آنجا چند سال در مکتب سلطان استانبول به آموزش زبان و ادبیات فارسی پرداخت و به عضویت انجمن معارف استانبول درآمد. او در ضمن همکاری با روزنامه «اختر» یعنی یکی از نخستین روزنامه‌های فارسی زبان برون مرزی، مقاله‌های جالب با عنوان «تماشا و تماشاخانه» در شماره‌های ۲۴ و ۲۵ این روزنامه - در واقع نخستین مقاله مربوط به تاریخ نمایش جهان به زبان فارسی - را نوشت.

میرزا حبیب اصفهانی، داستان «جیم موریه» یعنی سرگذشت حاجی بابای اصفهانی را از ترکی به فارسی ترجمه کرده است. ترجمه میرزا حبیب اصفهانی به پیروی از متن اصلی، به صورت شعر است اما نام‌های فرانسوی به نام‌های ترکی تغییر یافته و به هر شکل ترجمه آن بسیار دقیق است و با حفظ امانت کامل صورت گرفته و «... تنها گاه چاشنی اصطلاحات فارسی به آن زده شده است»

«شرکت علمیّه فرهنگ» و «گروه تئاتر ملی» اولین گروه‌های نمایشی هستند که در دوران مشروطیت به ترجمه آثار نمایشی غربی پرداختند.

۶. «باربیه دومنار» رئیس انجمن آسیایی و مدیر نشریه «ژورنال آسیاتیک»، در دسامبر ۱۸۶۹ می‌نویسد: «این ترجمه به مناسبت رعایت امانت و سادگی برجستگی خاصی دارد و ظرافت‌های زبان ما به کمک آن صورت فارسی یافته است.» ۷. او



انسانی آزاد و فاضل بود و «میزان تروپ» را هم به دلیل تجربه اندوزی و طبع آزمایی در ادبیات نمایشی و هم به خاطر آشنا کردن مردم ایران با ادبیات کلاسیک جهان ترجمه کرد. بی تردید مضمون اجتماعی و اخلاقی اثر نیز در تصمیم او مؤثر بوده است. میرزا حبیب اصفهانی زبان ترکی را خوب می‌دانست و به زبان فرانسه آشنایی داشت.

نمایشنامه «میزان تروپ»، ۱۷ سال پس از ترجمه میرزا حبیب اصفهانی، توسط میرزا علی اکبرخان مزین الدوله (نقاشبازی) برای اجرا در صحنه دارالفنون به فارسی برگردانده شد و گفته می‌شود گروهی از اروپاییان ساکن تهران، بدون آنکه فارسی بدانند، با حفظ کردن گفتار نمایشنامه آن را اجرا کردند.

طیبیب اجباری، اثر دیگری از مولیر را محمد

حسن خان اعتماد السلطنه، از مترجمان دربار، به فارس برگرداند، او از تحصیل کرده‌های دارالفنون بود که بعدها به رتبه سرهنگی نیز رسید و در سال ۱۲۸۰ هـ. ق. نماینده نظامی ایران در پاریس شد. او در این مأموریت زبان فرانسه خود را تکمیل کرد. پس از چهار سال به ایران بازگشت و مترجم خصوصی دربار شد. در سال ۱۲۸۷ هـ. ق. مسئولیت روزنامه رسمی و بعد ریاست دارالترجمه به او واگذار شد و لقب «ضیع الدوله» گرفت و بالاخره در سال ۱۳۰۰ هـ. ق. وزیر انطباعات شد و در سال ۱۳۰۲ لقب اعتماد السلطنه گرفت.

فریدون آدمیت می‌نویسد: «اعتماد السلطنه» به عنوان وزیر انطباعات در انتشار آثار تاریخی و اجتماعی اروپا بی‌علاقه نبود و همی در این امر به خرج می‌داد. دستگاه دارالترجمه دولتی هم که در آن برخی مترجمان قابل درکار بودند و ریاست آن با نویسنده دانشمند میرزا محمد حسین خان ذکاء الملک بود، کرایش قطعی به روشنفکری داشت و آثار سودمندی را به ترجمه می‌رساندند... ۸.

ترجمه نمایشنامه طیبیب اجباری را به میرزا محمد حسین خان فروغی ذکاء الملک نیز نسبت می‌دهند. در مقدمه کتاب «سه نمایشنامه اثر مولیر» (میرزا کمال الدین، تاروف، خسیس یا عروس بی‌جهاز و طیبیب اجباری) ترجمه و اقتباس محمد فروغی ذکاء الملک (فرزند میرزا حسین خان فروغی) آمده است: «نمایشنامه طیبیب اجباری که در سال ۱۳۰۶ هـ. ق. به چاپ رسید، به احتمال قوی از جمله کارهایی است که فرزند ترجمه و پدر

نگارش کرده است. ۹. این در حالی است که آرین پور، تاریخ ۱۳۲۲ هـ. ق. راسال چاپ کتاب ذکر کرده و «اعتماد السلطنه» را مترجم طیبیب اجباری می‌شناسد. ۱۰ میرزا محمد حسین خان فروغی، ذکاء الملک (۱۳۲۵-۱۲۵۵)، مدیر دارالترجمه و دارالطباعة دولتی و مترجم زبان عربی و فرانسه بود و علاوه بر نویسندگی به کارسیاست نیز اشتغال داشت. او پایه‌گذار مدرسه «سیاسیه تهران» و دارنده امتیاز مجله هفتگی تربیت بود. او کتاب‌های زیادی را به فارسی تألیف و ترجمه کرد که از آن جمله می‌توان به «تاریخ ساسانیان»، «عشق و غمت» (اثر شاتوبریان)، «ریحان... الافکار» و «کلبه هندی» (اثر نرباردن دوسن پیزو ژرژانگلیسی) و سفر هشتاد روزه دور دنیا (اثر ژول ورن) اشاره کرد.

در مورد ترجمه طبیب اجپاری، «حسن شیروانی» می نویسد: «مزمین الدوله روزی به عرض شاه می رساند که نمایشنامه ی طبیب اجپاری را ترجمه کرده و آن را برای نمایش آماده کرده است» ۹ علی اکبرخان مزمین الدوله نیز از جمله محصلینی بود که در سال ۱۲۷۵ هـ. ق برای تحصیلات به فرانسه فرستاده شد. او پس از بازگشت، سال های متعددی به عنوان معلم زبان و نقاشی در دارالفنون مشغول به کار شد و لقب «نقاشباشی» گرفت و نقش اساسی در ایجاد تماشاخانه دارالفنون داشت. از وی لغت نامه یی از فرانسه به فارسی تحت عنوان «مزمین اللغة» برجای مانده است. علی اکبرخان آثار دیگری نیز دارد از جمله کتابی که برای تدریس درکلاس های موسیقی دارالفنون با همکاری «موسیرلومر» فرانسوی تدوین کرده است.

«محمدعلی فروغی» علاوه بر نمایشنامه طبیب اجپاری، نمایشنامه ی خسیس و تارتوف (با عنوان فارسی: میرزا کمال الدین) از مولیر را نیز به فارسی برگردانده است.

عروسی اجپاری، اثر دیگری از مولیر بود که شاهزاده طاهر میرزا، آن را در سال ۱۲۲۲ با نام «عروسی جناب میرزا» به فارسی برگرداند. عروسی اجپاری، نمونه ای از نخستین تجربه در اقتباس آثار خارجی است. زبان مولیر زبان کلاسیک و فاخر فرانسوی و بسیار پیچیده و برگردان آن به زبان دیگر، از جمله فارسی، دشوار است. به این خاطر که مترجمان نمی توانستند از پس ترجمه نکته نکته آن بیایند، طریقی اقتباس را پیش گرفتند تا با اندیشه کلی اثر و ایجاد چند تغییر درک نمایش را برای مخاطب ایرانی آسان کنند. اما به هر حال، این کار باعث شد که اقتباس از نمایشنامه های خارجی برای سالیان دراز به روند غالب نمایشنامه نویسی ایران تبدیل شود.

حاجی طاهر میرزا (۱۲۱۶ - ۱۲۵۰ هـ. ق) فرزند اسکندر میرزا ششمین فرزند عباس میرزا به زبان های عربی و فرانسه و همچنین علوم ریاضی مسلط بود. او پس از خاتمه تحصیلات در ایران به مدت پنج سال به «جامع الدهر» مصر رفت و به فراگرفتن علوم دینی پرداخت او آثاری از الکساندر دوما (پدر) مثل سه تفنگدار، کنت دومونت کریستو، لویی مارگو، لویی چهاردهم و عصرش، لورد هوپ و نیز ژیلپاس تألیف لساز را به فارسی برگرداند. این اثر مولیر یکبار دیگر در سال ۱۲۹۰ هـ. ق، توسط حسینقلی خان قاجار به فارسی برگردانده شد و بانام «عروسی مجبوری» در تهران چاپ شد. در حالی که یک بار پیش از آن نیز «علی اکبر خان مزمین الدوله» آن را برای اجرا

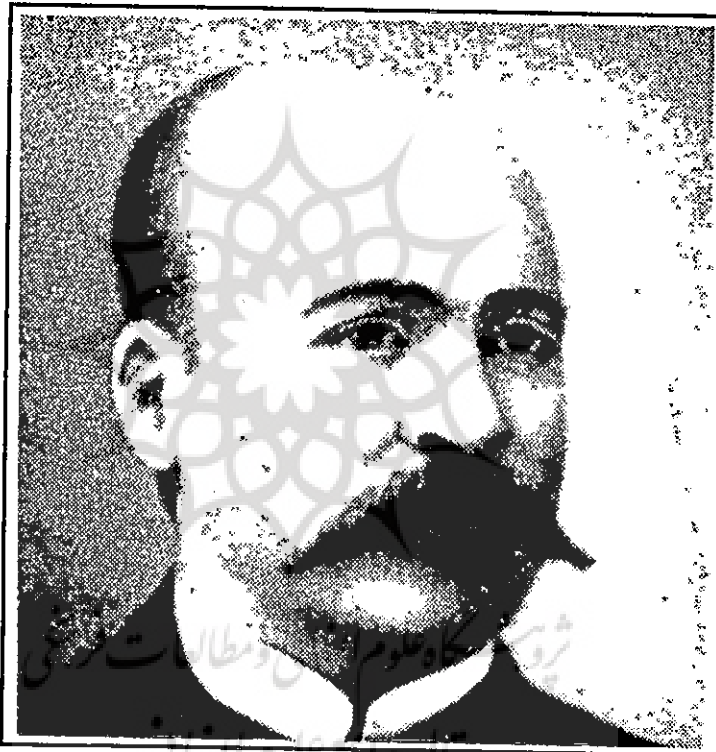
آثار «مولیر»، «آخوندزاده»

«گوگول» و «لابیش» بیشترین

تأثیر را بر آثار نمایشی دوره

ناصری داشته اند.

در حضور ناصرالدین شاه ترجمه کرده بود. «کیچ»، «امیرزا علی خان به فارسی ترجمه و «میرزا سید عبدالکریم خان محقق» آن را تحریر کرده و به ژرژ سوری خودش آن را در سال ۱۲۲۲ هـ. ق در تئاتر ملی، به روی صحنه برد. در این ترجمه نیز مضمون اصلی حفظ شده اما موقعیتها و نامها



ص ۹۹

تغییر کرده است. خان ملک ساسانی در نقدی که در روزنامه برق بر این اجرا نوشته متذکر شده است: «اگر فرانسرای این پیس» (نمایشنامه) دلپذیر است برای آن کلمات قشنگ و کنایات لطیفی است که مولیر استعمال کرده ولی همینکه به پارسی ترجمه شد دیگر آن لطافت و شیرینی را پیدا نمی کند». آخرین ترجمه مولیر در دوره ناصری، ژرژ داندن یا شوهر درمانده بود که میرزا جعفرخان قراچه داغی آنرا از ترکی به فارسی برگرداند و بر آن «تمثیل عروس و داماد» نام نهاد. صحنه ها و گفتگوها از متن فرانسه پیروی می کنند ولی ترجمه آزاد است. در بسیاری از جاها گفتگوها از متن اصلی طولانی تر است و ضرب المثل ها و اصطلاحات فارسی بسیاری در آن آمده که به نظر می آید مترجم به قصد روشن تر شدن مطلب چنین

کرده است یا حالت تقلیدی که به آن افزوده این اثر را جذاب تر و به این شیوه، هدف های نویسنده را آشکارتر و انتقادهای او را براتر کرده است.

یحیی آرین پور در کتاب «از صبا تا نیما» ۱۰ میرزا جعفر قراچه داغی را اینگونه معرفی می کند: «اکار او در وزارت عدلیه و منشی شاهزاده جلال الدین میرزا بود و در اواخر عمر (با) سمت مترجم ترکی جزوالت ترجمه مبارکه دولتی کار می کرد و ذیق مندرجات سالنامه ضمیمه جلد سوم «درالتیجان» تألیف اعتماد السلطنه به همین سمت مشغول خدمت بود. در سال ۱۳۱۰ هـ. ق درگذشت.

میرزا فتحعلی آخوند زاده نخستین نمایشنامه نویس ایرانی «تمثیلات» خود را برای ترجمه به فارسی ابتدا برای میرزا آقا تبریزی فرستاد که او از پس این نمایشنامه ها بر نیامد و آخوندزاده نسخه یی را برای شاهزاده جلال الدین میرزا (مؤلف نامه خسروان) فرستاده کمی های میرزا فتحعلی آخوندزاده دیرزمانی فراموش شده و در گوشه قفسهای مانده بود که منشی شاهزاده، یعنی میرزا جعفر قراچه داغی آن را یافت، باشوق آرزوی نویسنده را بر آورد ۱۱. به طوری که میرزا فتحعلی آخوندزاده برای وی نوشت «... آخرین صدآفرین به قلم مشکین رقم شما. ملا ابراهیم خلیل (کیمیایگر) را بسیار بسیار مطابق و مرغوب ترجمه کرده آید و از اصل ترکیه عدول نکرده آید. شرط عمده است که در ترجمه به عبارات اصل نسخه نه چیزی زائد شودنه چیزی از آن ناقص شود. بهتر از این ترجمه نمی تواند کرد. ۱۲

پی نویس:

۱- ریشه های انقلاب ایران، نوشته نیکی آرکی، ترجمه دکتر عبدالرحیم کامی، چاپ اول ۱۳۶۸، انتشارات قلم، ص ۷۲/ ۲- همان، ص ۹۱/ ۳- همان،

۴- همان، ص ۲۷۹ و ۲۸۱

۵- برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به ادبیات نمایشی ایران،

نوشته جمشید ملک پور، جلد اول، فصل دوم انتشارات توین ۱۳۶۴

۶ و ۷- مقدمه و حواشی باقر مومنی، ژرژ داندن، مولیر، نشر

سپیده ۱۳۵۷، ص ۲۵

۸- آیدر لوزی نهضت مشروطیت، پیام ۱۳۵۵، ص ۵۲

۹- مولیر، سه نمایشنامه، ترجمه محمدعلی فروغی (ذکاء

الملک)، انتشارات نیما، ۱۳۵۲، ص ۵

۱۰- از صبا تا نیما، ج ۱، ص ۳۴۱

۹- هنر نمایش - حسن شیروانی، ۱۳۵۵، ص ۲۷

۱۰- جلد اول ص ۲۵۴

۱۱- الفبای جدید و مکتوبات میرزا فتحعلی آخوندزاده ص ۳۳

۱۲- تمثیلات میرزا فتحعلی آخوندزاده، مترجم، محمد جعفر

قراچه داغی، انتشارات خوارزمی ۱۳۵۶